

تاریخ ادبیات ارمنی

بخش چهارم

ترجمه و تالیف ادیک باغداساریان

(ا.گرماتیک)

مختار گوش

مختار گوش نخستین تمثیل نویس ارمنی است. وی اهل شهر گانزاک (گنجه) بود. تاریخ تولدش مشخص نیست. وفاتش بسال ۱۲۱۳ در پیری بوده است. مختار گوش تحصیلات مذهبی را فرا گرفته و بنا به خواست اولیای خود بعنوان کشیش رهبانی تقدیس یافت. پس از آن تحصیلاتش را در نزد کشیشان مشهور و عالم ادامه داد. لیکن با قانع نشدن به این حد، وی برای ادامه بیشتر تحصیلات به کیلیکیه نزد دانشمند پرآوازه می رود. پس از بازگشت از کیلیکیه به کمک شاهزاده **زاکاریا** وانک جدیدی (**گدیگ**) بنا می نهند. این وانک پس از چندی تبدیل به یکی از مراکز علمی آن عصر می گردد. **گیراگوس گانزاکتسی** یا گنجه ای در مورد وی می نویسد: "بسیاری در نزد او تحصیل نمودند... زیرا شهرت دانش وی در همه جا پراکنده شده و از هر سو نزد وی می آمدند".

از آثار مشهور **گوش** که به ما رسیده اند **داداستانگیرک** و **تمثیلات** وی را می توان نام برد. **داداستانگیرک** پدیده عظیم فرهنگی در آن عصر بود. این کتاب مجموعه ای است از اصول و قوانین گوناگون قضایی که منعکس کننده رابط فئودالی - اجتماعی ارمنی در سده های ۱۲-۱۱ بود که قبل از **گوش** وجود نداشتند. **داداستانگیرک** تقریباً در تمام ارمنستان مورد قبول واقع شد. **تمثیلات** گوش دارای جایگاه خاصی در ادبیات هنری ارمنی در سده های میانه است. البته بنظر گوش، ارمنیان با آثار سبک تمثیل آشنایی داشتند. آثار شفاهی ارمنیان از نظر تمثیل غنی است. به غیر از آن حتی تمثیلهایی که از یونانی ترجمه شده بودند نیز وجود داشتند. از یکی از نامه های گریگور ماگیستروس چنین معلوم می گردد که در سده یازدهم، توام با دستور زبان و فن نطق در مدارس به شاگردان افسانه آموزی یعنی فراگرفتن و نوشتن و حفظ کردن تمثیلهای نیز یاد داده می شد.

با این حال تا سده ۱۲ و تا زمان مختار گوش، هیچیک مولفان ارمنی در صدد نوشتن تمثیلهای مختص بخود بر اساس تمثیلهای ترجمه شده و یا موجود در آثار مردمی نبود. تمثیل بعنوان یک سبک از آثار مردمی، از طرف نویسندگان کلیسایی لعن شده بود و طبعاً **گوش** برای وارد کردن این سبک در ادبیات مشکلات و موانع بسیاری برخوردار کرده بود.

بطور کلی باید توجه داشت که گوش در میان نویسندگان ما در سده های میانه بدین علت برجسته است که آگاهی طبقاتی او که بدون شک نتیجه تشدید تضادهای طبقاتی موجود بین فئودالها و سرف ها در محیط زندگانی وی بوده است، نسبتاً مترقی تر بود. این امر انعکاس خود را چه در "داداستانگیرک" گوش و چه در یک سری از تمثیلهای وی یافته است. لیکن عقیده گوش، بر ضرورت حکومت پادشاهی و اقتدار آن استوار بود که در آن اوضاع و احوال و از نظر دفاع کشور محروم از استقلال وجوه مثبتی داشت، بویژه آنکه کشور در برابر خطر رخنه مغولها قرار گرفته بود.

ولی ارزش تمثیلهای گوش بطور عمده منوط و مشروط بر انعکاس بیطرفانه واقعیت و اوضاع و احوال مردم است.

تمثیلهای بسیار دیگری نیز وجود دارند که شخصیت های موجود در آنها نمایندگان پیشه های گوناگون هستند. اهمیت و ارزش اجتماعی دسترنج زحمتکشان شهری ارمنی در سده های میانه در اینها معرفی می گردد.

حماسه مردمی ارمنی ساسونسی داویت یا داویت ساسونی

حماسه قهرمانی مردمی **داویت ساسونی** مکان فوق العادی را در تاریخ فرهنگ هنری ارمنی در سده های میانه داراست.

داویت ساسونی در سده های ۱۰-۸ زمانی که ملت ارمنی مبارزه قهرمانانه ای را در برابر خلافت عرب انجام می داد خلق شده و سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته به دوران ما رسیده است. حماسه بزرگ ارمنی را اولین بار محقق نامی **گارگین سروانزویان** از زبان **کروبو** یکی از اهالی روستای **آرنیست موش** به رشته تحریر در آورده در ۱۸۷۴ کتابهای **گروتسی و بروتسی** و **داویت ساسونی یا دربار مهر** در استامبول منتشر ساخت. پس از آن واریانت دیگر این شعر حماسی را **مانوک آبیان** دانشمند برجسته در سال ۱۸۸۶ از زبان **ناهایت** یکی از اهالی روستای **کینگانسی** سرزمین **موگ** در اجمیادزین نگاشته و در ۱۸۸۶ تحت عنوان **داویت و مهر، رمان حماسی و مردمی** در شهر شوشی بچاپ رساند. بعدها چندین محقق در گردآوری واریانت های مختلف و انتشار آنها در زمانهای گوناگون پرداخته اند لیکن جمع آوری و انتشار واریانت های گوناگون این حماسه در دوران حکومت شوروی شتاب و سرعت بیشتری به خود گرفت. حزب کمونیست و دولت شوروی با ستایش بسیار از ماهیت مردمی-وطن دوستانه حماسه غنی داویت ساسونی در سال ۱۹۳۹ جشن هزاره آنرا ترتیب داد. در این هزاره، حدود شصت واریانت در مجموعه کامل داویت ساسونی مطرح گردید. این متن کامل به زبانهای مردمان مختلف شوروی

(روسی، اوکراینی، گرجی، آذری، بلوروسی، چوواشی و غیره) ترجمه گردید. حماسه قهرمانانه ملت ارمنی مورد استقبال گرم تمام ملل شوروی سابق قرار گرفت.

داویت ساسونی مانند هر حماسه مردمی، تعمیم عمیق وقایع تاریخی، زندگی مردم و مفاهیم هنری است. ترتیب زمانی و توصیف عینی رویدادها رعایت نشده است مثلاً جنگهای دلیران ساسون در برابر مکتب مصر و خلیفه بغداد و پیروزی های کسب شده تعمیم جنگهای متعدد قهرمانانه در برابر استبداد و ظلم اعراب هستند. **داویت ساسونی** با پیدایش در ساسون در نواحی دیگر ارمنستان نیز گسترش یافته و از حیث محتوا غنی گردیده و بصورت حماسه مردمی ارمنی متجلی شده است.

داویت ساسونی به شمار آثار برجسته هنری که گهگاه توسط بشر و انسان خلق می گردند تعلق دارد. ارزشهای هنری داویت ساسونی منوط به تعمیم واقعی و عمق حقایق تاریخی، محتوا و سوژه غنی هنری تجسم و تبلور چند جانبه و پیگیرانه اخلاقیات قهرمانان، ساختار محکم خطوط مشخصه روشن و واضح محلی سرعت انجام عملیات و وضوح و فصاحت لحن می باشد.

سوژه حماسه

داویت ساسونی، شعرحماسی ملت ارمنی از چهار بخش تشکیل می شود (ساناسار و باغداسار، مهر بزرگ، داویت و مهر کوچک) که تمام آنها یک کلیت عظیم را بوجود می آورند. حال سوژه حماسه را به اختصار توضیح می دهیم. گاگیگ پادشاه ارمنیان خراجگزار خلیفه بغداد بود. در زمان یکی از ماموریت های اخذ مالیات، مالیاتیان پادشاه بت پرست بغداد دختر پادشاه گاگیگ را بطور تصادفی می بینند و تا حد بیهوشی از زیبایی وی متحیر می گردند. آنها با ناتمام گذاشتن کار اخذ مالیات به بغداد بازگشته خلیفه را در مورد زیبایی **زووینار**، دختر گاگیگ، مطلع ساخته و تصمیم می گیرند وی را به هر قیمتی هم که شده، تصاحب نمایند. **زووینار** را از گاگیگ طلب می کند، گاگیگ از انجام تقاضای خلیفه امتناع می ورزد. خلیفه خشمگین سپاهی به ارمنستان فرستاده به فرماندهان امر می کند **گاپونکوغ** را ویران نموده **زووینار** را با خود بیاوردند. **زووینار** با در نظر گرفتن اینکه کشور و مردم بخاطر او باید متحمل زحمات و مشقات فراوان گردند، تصمیم می گیرد که فقط خود قربانی گردد، تا اینکه کشور ارمنستان ما ویران شود، و هزاران نفر نابود گردند. پادشاه گاگیگ با شنیدن تصمیم دخترش موافقت می کند تا وی را تسلیم خلیفه نماید. **زووینار** پیش از عزیمت به بغداد برای آخرین بار بر روی چشمه های وطنش به تفرج و گردش می پردازد. شامگاهان هنگام بازگشت تشنه می شود و از آب خوشمزه ای که از صخره ساحلی دریا می جوشید به اندازه دو کف دست، یکی پر و دیگری نیمه می آشامد. او از این آب آبتن می شود و در بغداد صاحب دو فرزند پسر یکی بزرگ و دیگری کوچک می گردد. فرزند بزرگتر را **ساناسار** و فرزند کوچک را **باغداسار** می نامد. خلیفه امر به قتل **زووینار** می دهد ولی

بنا به خواهش شخص اخیر انجام این تصمیم به تعویق می افتد. جلادهای خلیفه پس از ده سال آماده انجام تصمیم می شوند. **ساناسار** جلادها را کشته و سپس سپاه خلیفه را نابود می سازد. خلیفه با مشاهده شجاعت دو برادر از تصمیمی کشتن آنها منصرف می گردد.

خلیفه در جنگ هفت ساله بر علیه پادشاه گاگیگ مغلوب شده و بزرگت می تواند جان سالم بدر برده به بغداد بگریزد. به مناسبت این فرار موفقیت آمیز قربانی فرزندان را به بت ها قول می دهد. **زوونار** با آگاهی از این امر در خواب، به پسرها توصیه می کند از بغداد دور شوند.

ساناسار و باغداسار پس از سرگردانی و سیاحت طولانی به یک جویبار باریک بر می خوردند که با سرازیر شدن از کوهسار، **مغراگد** را به دو نیم تقسیم کرده سپس به رودخانه پیوسته و جریان می یافت. برادرها سرچشمه این آب نیروبخش را کشف نموده بر روی آن قلعه ساسون را بنا می نهند.

ساناسار یک روز به اعماق دریا می رود و **کورکیک جلال**، **تور کایزاک** و **خاج** را پیدا نموده در بستر دریا به شنا در یک سرچشمه شیری پرداخته و نیرومند می شود و با سوار بر اسب از دریا بیرون می آید. سپس همراه **باغداسار** به بغداد می رود. آنها خلیفه را کشته و سپاهش را نابود می سازند و به همراه مادرشان به ساسون بر می گردند. خبر عملیات قهرمانانه برادران در سرتاسر عالم پخش می شود. افراد فقیر با ترک مناطق خود به ساسون می روند زیرا از ساکنان آنجا نه مالیات می گرفتند و نه باج. بدین ترتیب تعداد سکنه ساسون افزون تر گشته و ساسون مبدل به شهری بزرگ می شود.

آوازه دو **پهلوان** را **دغزون-زام**، چهل رشته گیسو، دختر پادشاه شهر **مسین** می شنود. او توسط نامه ای عشقش را به **ساناسار** ابراز می دارد. **ساناسار** به سوی شهر **مسین** می شتابد. وی برخی موانع فوق بشری را پشت سر نهاده و با ۶۰ پهلوان گاومیش گونه دست و پنجه نرم می کند. **باغداسار** به کمک او می رسد. هر دو برادر به شهر **سبز** می روند و ازدهای سد کننده آب را کشته و مراجعت می کنند و **دغزون-زام** و در سر راه خواهرش را برداشته و به ساسون می برند. ساناسار با **دغزون-زام** اما **باغداسار** با خواهر او ازدواج می کنند. ساناسار صاحب سه پسر، **ورگو**، **هوان طنین انداز** و **مهر**، می شود.

ساسون پس از مرگ **ساناسار**، ابتدا توسط **دغزون-زام** و سپس بدست **مهر** اداره می شود. شخص اخیر شیردرنده را کشته و اهالی ساسون را از قحطی حتمی نجات می دهد. پس از کشتن شیر، **مهر** را **مهر شیروشی** نامیدند. سپس او در برابر دیو **سپید** پادشاه **خلات** می جنگد و آنرا کشته، **ارمغان**، دختر **تواتوروس** را نجات داده و با او ازدواج می کند.

ملک مصر با شنیدن مرگ ساناسار بار دیگر ساسون را "خراج ده خود می سازد". **مهر** بزرگ از پرداخت مالیات به ملک امتناع می ورزد. بنابه توصیه **هوان طنین انداز** مهر به مصر رفته و با ملک مصر می جنگند. ملک با مشاهده قدرت عظیم **مهر** از مالیات ساسونیان چشم پوشی می

کند. به علاوه با مهر "برادر می شود" و شرط می بندد که هر یک زودتر فوت کند، نفر دوم زن و بچه های شخص متوفی را نگهداری کند. ملک بزودی می میرد. **اسمیل خاتون** زن ملک به منظور داشتن وارثی از **مهر**، وی را به مصر دعوت می کند و به اندازه هفت سال وی را مست کرده و با وی هم خانه و همبستر می گردد. **ملک کوچک** زاده می شود. مهر هفت سال در مصر می ماند. یک روز او اتفاقاً از پند و نصیحتی که اسمیل خاتون برای احیای کیان مصر و نابودی کیان ارمنی به ملک خردسال داده بود مطلع می گردد. وی خشمگین شده و بر اشتباه خود واقف می گردد و بلافاصله به ساسون باز می گردد. **داویت** زاده شده و در همان روز **مهر** و **ارمغان** می میرند.

عموها با ناتوانی در مراقبت از داویت، وی را نزد ایسمیل خاتون در مصر می فرستند. پس از مدتی کوتاه داویت از قبول شیر از پستان ایسمیل خاتون امتناع می ورزد. به امر ملک، او را توسط عسل و کره ای که از ساسون آورده می شد تغذیه می کردند. داویت بزرگ شده و قدرتمند می گردد و با نیروی خود باعث تحیر همگان می شود. ملک تصویر دشمن آتی خود را در داویت می باید و بدین دلیل در پی فرصتی برای نابودی او می گردد. به خواهش مادرش، داویت را پس از آزمایش با طلا و آتش به ساسون می فرستند. داویت اکنون در ساسون است. **هوان طنین انداز** عموی وی، ابتدا او را به چوپانی سپس گوساله چرانی و آنگاه گله داری می گمارد. داویت ۴۰ دیو می کشد و طلاهای بدست آمده را بکمک عموهایش به ساسون می آورد سپس به توصیه صاحب پیر مزرعه ارزن، تیر و کمان پدرش را از **ساربه** تحویل گرفته به شکار می پردازد. او از پیرزن در مورد **زوواسار** پدرش مطلع می گردد. به همراه **هوان** به **زوواسار** رفته برج و باروی ساخته شده توسط ملک را ویران می کند و احشام و حیوانات در بند را آزاد می سازد. سپس معبد مرتفع مریم عذرا را در **ماروت** ساخته و به ساسون باز می گردد.

ملک مصر از این امر آگاه می گردد. **خولباشی** را توسط سپاهی برای کشتن داویت و ویران ساختن **ماروت** می فرستد. خولباشی با حيله و فریب معبد **ماروت** را ویران کرده راهبان را می کشد. داویت با اطلاع از این واقعه خولباشی را تعقیب نموده سپاهش را تارو مار می کند. وی فقط به خولباشی امان می دهد و توسط وی پیامی برای ملک می فرستد:

ساسون هنوز نمرده
بار دیگر چنین مکن
از ویرانی چه حاصل شود

ملک خشمگین برای بار دوم **کوزبادین** را به ساسون می فرستد. داویت این بار نیز مالیاتیان را با مصیبت روبرو ساخته از ساسون بیرون می راند. پس از آن خود ملک مصر با سپاهی عظیم به ساسون می آید. داویت به نصیحت پیرزن، **کورکیک جلال** و سلاح پدرش را از عمویش

تحويل گرفته به مقابله ملک می رود. وی ملک را می کشد و سپاه مصر را آزاد ساخته خود به ساسون بر می گردد. کشور امن و آرام می شود. شهرت دلآوری های داویت به گوش **خاندوت** از زیبایی **خاندوت** متحیر می گردد و از قولی که به **چمشکیک سلطان** داده بود برگشته و به نزد **خاندوت** می رود. وی با دشمنان پدر **خاندوت** یعنی "**باب فرنگی**"، "**آجمو شاپوه**" و **غان دوغان**، پادشاه حلب و سایرین جنگیده بر آنها چیره می گردد و **خاندوت** را برداشته به ساسون مراجعت می کند.

پس از مدتی داویت به گرجستان می رود و مهر کوچک زاده می شود. داویت هفت سال در گرجستان می ماند. مهر کوچک پس از هفت سال در پی پدر می گردد. در راه پدر و پسر به هم می رسند. پس از مباحثه کوتاه کشتی می گیرند ولی بزودی یکدیگر را می شناسند. داویت، مهر را نفرین می کنند تا صاحب وارثی نشود. سپس به جنگ علیه چمشکیک سلطان می رود. شخص اخیر با حيله و فریت داویت را می کشد.

مهر کوچک در کاپوتکوغ است. عموهایش با ترس از دشمنان ساسون، مهر را به اینجا می آورند. مهر بر سر راه کشیش **مادغاوانک** را بقتل می رساند و نام وانک را به **ماتناوانک** تبدیل می کند. سپس با سپاه چمشکیک سلطان جنگیده آن را نابود ساخته و چمشکیک سلطان را بقتل می رساند و بدین ترتیب انتقام خون پدرش را می گیرد. مهر پس از مدتی کوتاه، ساسون را ترک کرده به سیاحت می پردازد وی با **گوهار** ازدواج کرده و دشمنان پدر او را از بین می برد. نوه های **کوزبادین** اهالی ساسون را راحت نمی گذارند. به خواهش **هوان**، مهر به ساسون باز گشته نوگان **کوزبادین** را هلاک می سازد و به بغداد و سپس به کشور پادشاه **پاچیک** نزد زنتش **گوهار** می رود. او گوهار را مرده می یابد. او را به ساسون آورده نزدیک قبر **خاندوت** دفن می کند. بار دیگر قصد سیاحت می نماید لیکن دیگر نمی تواند زیرا دیگر رمقی در خود نمی یابد. بنا به خواست اولیای متوفی خود به **وان** می رود. بر سر راه با ملائکه جنگیده و سپس در غاری بست می نشیند. نقلان تعریف می کنند که **مهر** زنده است و آنگاه که دنیا ویران گردد بار دیگر ساخته نشود و هنگامی که گندم سبز شده باشد ظهور خواهد یافت.

مضمون عقیدتی داویت ساسونی

شعر حماسی داویت ساسون از نظر غناء مضمون عقیدتی جا و مکان ویژه ای در فرهنگ هنری ارمنی در سراسر سده های میانه دارا است. در سده دهم وقتی که داویت ساسونی شکل گرفت، جهان بینی فتودالی - کلیسایی هنوز در ادبیات قوی بود که مردم را به قبول شرایط موجود دعوت می کرد، در حالیکه داویت ساسونی مردم را به مبارزه برای تغییر اوضاع و شرایط قدیمی و سنگین و ایجاد زندگی توأم با خوشبختی تشویق می نمود. نه برای کسب جاه و مقام و مال

اندوزی، بلکه فقط و فقط برای انجام کاری خیر برای مردم بکار می گیرند. طبیعی بود که دو برادر تصمیم گرفتند تختست برای خانواده های بی بضاعت که همراهشان به ساسون آمده بودند و سپس برای خودشان خانه بسازند. اما این مطلب که افراد زحمتکش با شنیدن اخبار مربوط به کارهای ساناسار و باغداسار، از اقصا نقاط گیتی به نزد آنها می شتابند تا در کنار آنها زندگی کنند تا از موهبت آزادی و امنیت شغلی برخوردار شوند، از نظر ماهیت اجتماعی حماسه بسیار روشنگر و توأم با فصاحت فراوان می باشد.

شخصیت ساناسار و باغداسار

این دو پایه گذاران دژ ساسون و اجداد پهلوانان حماسی ارمنی هستند. آنان افراد عادی نیستند بلکه از آب زیسته شده و از آب نیرو می گیرند. آنان حماسه های باستانی ارمنی را متجلی می سازند و نیروی قهار طبیعت را در قالب انسانی به نمایش می گذارند.

شخصیت مهر بزرگ

از فرزندان ساناسار فقط مهر تمام خصوصیات پهلوانی پدر را به ارث می برد. مهر با نوشیدن آب از چشمه شیر، دارای نیروی فوق انسانی می گردد. وجود این چشمه شیر معجزه گر در حماسه معانی عمیقی دارد. داویت فرزند مهر نیز قبل از رفتن به جنگ از آب این چشمه نوشیده بدنش بزرگ شده و چند برابر می گردد و قدرتش نیز سه برابر می شود. چشمه شیر قدرت کشور و آرمان وحدت با مردم است.

در حین عملیات داویت ساسونی هر نسلی از قهرمانان شجاعت بیشتری برای مردم و افراد زحمتکش انجام می دهد. مثلا مهر مدت هفت سال زندگی اهالی ساسون را با حیوانات شکار شده تامین می کند و دیو سفید و گاو سیاه آنرا کشته باج پرداختی به ملک مصر و غیره را از بین می برد. یکی دیگر از کارهای بزرگی که خصوصیات مهر را بیان می کند این است که پس از بازگشت از مصر با اطلاع از اینکه ارمغان قسم یاد نموده بود که شوهرش را به نزد خود راه ندهد و اگر این قسم انجام نمی شد هر دو آنها می مردند، با وجود این به خاطر منافع کشور قسمش را می شکند و پس از صاحب فرزندی شدن می میرد. هدف این فداکاری تولد یک زندگی نو برای روشن نگاه داشتن چراغ ساسون بود.

خلق ارمنی نیروی حیاتی تمایلات والا و افکار و احساسات خود را بطور عمده در شخصیت داویت فرزند مهر یافته است.

شخصیت داویت

داویت یکی از افراد عظیم الجثه زیبا اندام است. خلق حتی از دوران کودکی قهرمان محبوب خود را با روحیه آزادیخواهی قرین نموده است. او از همان ابتدا از ملک مستبد مصر

اطاعت و فرمانبرداری نمی کند. داویت در موقع بازی، گویی را که ملک انداخته بود، می گیرد و او را در پیش حضار رسوا می کند. ملک از داویت می خواهد تا قبل از مراجعت به ساسون بعنوان اطاعت از وی، از زیر شمشیر او عبور کند. ولی داویت نرفت و از زیر شمشیر نگذشت. این یک واقعه بسیار جالب است که داویت حصارهای شکار گاه پدرش را ویران کرده حیوانات زندانی شده را آزاد می کند تا فرار کنند.

خشم و نفرت داویت نسبت به استثمارگران خلق و مستبدین و مخلین آزادی بسیار زیاد است. او چنین افراد را بیدریغ از روی زمین نابود می ساخت. او اندیشه های ویژه ای در قبال **کوزیادین** ها و **ملک** ها دارد. وی بعنوان طرفدار و حامی زندگی صلح آمیز و توام با خوشبختی برای مردم زحمتکش، در برابر مخلین سعادت و صلح با نفرت و خشم بی کران می ایستد و لحظه ای را برای نابودی آنان تلف نمی کند.

داویت در کارها و فعالیت های خود بر علیه دشمنان سریع و قاطعانه عمل می کند. وقتی که از ورود ملک مصر به ساسون اطلاع می یابد خواب و مستی اش بعلت شدت خشم ناپدید شده بی درنگ آماده نبرد با ملک می گردد. داویت مدت طولانی فکر نمی کند. دشمن وارد کشور شده و باید بلافاصله آنرا بیرون راند.

داویت از تهمت‌نات و عظیم الجثه هایی است که دارای نیروی فوق انسانی می باشد ولی هرگز به جنگ غیر عادلانه نمی پردازد. صرف نظر از پیروزی های کسب شده، او به آزادی مردمان دیگر چشم طمع نداشته کشور هایشان را به تصرف خود در نمی آورد. بدین ترتیب مثلا پس از کشتن ملک مصر، داویت هیچگونه زبانی را به سپاه او وارد نمی سازد و به سربازان اجازه برگشت به خانه هایشان می دهد.

در رفتار داویت نسبت به سپاه مصر و نیز در قطعه های متعدد حماسی دیگر، محتوای اجتماعی حماسه مردمی ارمنی بنحو عالی متجلی می شود. در گفتگوی داویت و سرباز پیر عرب این حقیقت بوضوح آشکار است که منافع مردم و استثمارگران و ظالمین فتودال یکی نبوده متفاوت و متضاد هستند. از این نظر قطعه ای که جنگ داویت و پاپ رم را شرح می دهد بسیار جالب توجه است. پاپ که در حماسه پاپ فرنگ یا پاپ فرانک نامیده می شود سپاهی به ارمنستان می فرستد. داویت بلافاصله به مقابله دشمنش می شتابد. سپاه پاپ با تحمل شکست با وحشت فرار می کند. داویت آسیبی به سپاه مغلوب نمی رساند بلکه از آنان می خواهد تا جای پادشاه را نشان دهند. فراریان شهری را که پادشاهشان پاپ فرانک در آن زندگی می کرد به داویت نشان می دهند. داویت این شهر را پیدا کرده و پاپ را دستگیر و سرش از تن جدا می سازد.

داویت نه تنها پاپ بلکه تمام فرماندهان او را نابود ساخته حکومت را به کهرتان و دون پایگان می سپارد.

پس از اسقرار چنین نظام و قانونی او مراجعت می کند. بدین ترتیب داویت نه تنها برای آزادی خلق ارمنی از یوغ مستبدان و استثمارگران داخلی و خارجی بلکه برای آزادی سایر ملل نیز می جنگند. داویت دشمن پادشاهان و نزدیکان آنها یعنی شاهزادگان و اشراف فئودال است و بی دریغ آنها را نابود می کند. نفرت داویت نسبت به فئودالها و انزجار طبقاتی خلق ارمنی را نسبت به استثمارگران متجلی می سازد.

داویت پهلوان واقعی بود و بی ریا و پاک سرشت بود. همیشه رو در روی دشمن قرا داشته هرگز به تدابیر فریبکارانه و خدعه و نیرنگ متوسل نمی گردد. تیک اندیشی و نیک گفتاری برای داویت مقدس هستند و عدم وفاداری به قول و عزم جزم برای او مترادف با مرگ می باشند. در اخلاقیات داویت توأم با عظمت حماسی، لطافت احساسی شدید نیز به چشم می خورد. سراسر داستان عشق **داویت** و **خاندوت** داستانی آکنده با تمام جوانب احساسی است. آواز خداحافظی داویت قبل از رفتن به جنگ، نشان می دهد که او با چه پاکی و بی ریایی و عشق مردمش را دوست داشته و چه پیوند مستحکمی با آنها دارد. خصوصاً اخلاقی و تاریخی خلق ارمنی در شخصیت داویت ساسونی متجلی شده اند.

شخصیت مهر کوچک

آخرین نماینده تبار ساناسار و باغداسار، **مهر کوچک** است که مانند پیشینیان خود عظیم الجثه بوده هم خویش را در راه وطن و مردم بکار بسته است. مهر نیز قدرت عظیم خود را به نفع زحمتکشان بکار می بندد. اینکه در حماسه گفته شده است که **مهر** روزی از غارخارج خواهد شد نشانگر اینست که او آمال و آرزوهای مردم را در خود متجلی ساخته است. همین مسئله جاودانگی مهر نتیجه خوش بینی مردم به آینده است. مانند داویت، حوضه عملیاتی **مهر** نیز بسیار وسیع بوده محدود به ساسون نمی شود. او در کشورهای بسیار رفته و در بین مردمان متعدد زندگی می کند و در تمام موارد ناجی این مردمان بوده آنها را از دست مستبدان، استثمارگران و دیوها و شیاطین گوناگون افسانه ای می رهاند. **مهر** به دشمنان امان نمی دهد. او در جنگی با **چمشکیک سلطان** تا قلع و قمع کامل او باز نمی ایستد. ولی در عین حال وی نسبت به دوستان خود بسیار دقیق و پراحساس است. وقتی که سلاحهای داویت کشته شده را به ساسون می آورند، مهر بر روی آنها به سوگواری می پردازد. این سوگ او بسیار حزن آور بوده مملو از احساسات عمیق انسانی، احساس گرم عشق به والدین است. واقعه ای نیز وجود دارد که مبین احساسات برجسته تر و اظهارات زیباست و آن اینست که **مهر** جاودانی و بی وارث آنگاه که از دنیا خسته می شود به یاد والدین خود می افتد و به مزار آنان می رود.

مهر بر علیه دیوان می جنگد. او توطئه های راهبان **ماتاغاوانک** را افشاء نموده نشان می دهد که این خائنان به اصطلاح نماینده خدا چگونه زندگی و آزادی مردم را مورد مخاطره قرار می دهند. مهر خدای دیوان را به جنگ می طلبد و او را حامی بی عدالتی ها و بلا یا می داند. پهلوان ساسون همچون موقعی که بر علیه مستبدان دنیوی می جنگید با ملائکه خدا به ستیز می پردازد. **کری توروس و هوان طنین انداز** از دیگران قهرمانان درخشان حماسه "داویت ساسونی" هستند.

شخصیتهای کری توروس و هوان طنین انداز

کری توروس و هوان طنین انداز روسای خانواده های بزرگ هستند. داویت بعنوان فردی کوچک تر از آنان معمولاً به توصیه ها و پند هایشان گوش داده و به ایشان احترام می گذرد. آنها نیز به نحوی در فکر داویت بوده و او را دوست می دارند و هر گاه او به مشکلی برمی خورد به یاری وی می شتابند و بعنوان افرادی با تجربه اندرزه های نیک به او می دهند. **هوان** یکی از تهمتنان عظیم الجثه است که بصورت شخصیتی مقتدر برای انجام کارهای قهرمانی و فردی با اراده معمولاً در حماسه ظاهر می گردد. از این نظر این واقعه جالب توجه است که هوان طنین انداز با اطلاع از خطر زندگی داویت در خواب، شتابان به جنگ می رود. گفتگوی هوان با اسپهانش نشانگر علاقه شدید وی نسبت به داویت و عزم راسخ او در انجام کارهای قهرمانانه می باشد. برای گرفتن انتقام خون داویت، **هوان طنین انداز** نیز با مهر به کارزار رفته ، در نابودی دشمنان شرکت می ورزد. لیکن گاهی سستی و خطوط سازش با دشمن نیز در اخلاقیات هوان مشاهده می گردد. کارهای قهرمانی با تاکید بیشتری در شخصیت **کری توروس** منعکس شده اند. کری توروس همیشه آماده دفاع از مردم در برابر حملات دشمن است. وقتی که ملک مصر با سپاهی عظیم به ساسون می آید. کری توروس عمداً "داویت کودک را مست می کند تا در جنگ شرکت نکند اما خودش بعنوان رئیس خانواده چهل نفری ، "بچه ها" یش را جمع کرده به مقابله ملک مصر می شتابد (البته داویت با به هوش آمدن از او پیشی می گیرد). نطق جنگی **کری توروس** در برابر دوستانش بسیار زیباست.

روز جنگ با دشمن مردحم و میهن بهترین روز برای کری توروس محسوب می شود.

شخصیت ملک مصر

دشمن اصلی داویت یعنی ملک مصر در داویت ساسونی با خطوط عمیق رئالیستی تشریح شده است. ملک نیز یکی از افراد عظیم الجثه و از «جنس نجبا» است. توده مردم ، با خویشاوند نمودن داویت و ملک مصر ولی تشریح ملک در مقام طرف ضعیفتر و طرف مغلوب ، داستان مستبدان و کسانی را که جنگهای ناعادلانه ای بر علیه خواست مردم انجام می دهند، محکوم می

کند. داویت قوی تر بوده بر ملک مصر پیروز می شود زیرا وی محق بوده و اراده او اراده مردم است. ملک پیکره کامل یک مستبد را تشکیل می دهد. او تصمیم می گیرد به داویت ساسونی حمله کند لذا تمام افراد با تجربه و مطیع خود را گرد آورده در مورد انجام این تصمیم از آنها مشورت می خواهد.

این خبرگان با بیان اوضاع و احوال مردم مصر با این تصمیم مخالفت می ورزند. طبعاً ملک پس از آن میلی به مشورت خواهی از خبرگان نشان نمی دهد و از آنها جدا شده با افراد "مجزا" به گفتگو می پردازد. این افراد "مجزا" که در واقع فرماندهان وی می باشند ملک را تشویق به حمله بی درنگ به داویت نموده و مادام که او کم سن است خواهان کشتن وی می شوند. از ویژگی های دیگر اخلاقی ملک مصر تکبر، غرور، خدعه و ریاکاری او را می توان یاد کرد.

توأم با تکبر ملک، نیرنگ نیز یکی از مشخصات اخلاقی او بشمار می رود. او داویت را دعوت به صرف ناهار می کند تا سپس با وی بجنگد. ملک مصر به کندن چاه در زیر محلی که باید داویت می نشست تصمیم داشت توسط خدعه و نیرنگی ناشایست برای یک پهلوان، دشمن خود را نابود سازد. ملک مصر با محرومیت از شرافت و جوانمردی در هنگام جنگ وقتی که نوبت ضربه های داویت رسیده بود شرایط جنگ تن به تن را نقض می کند.

شخصیت زنان

قهرمانان زن نیز در شعر حماسی داویت ساسونی شمار و نقش قابل توجهی را دارا هستند. برخلاف جهانی بینی منفی مسیحیت دوران سده های میانه در قبال زنان، آنها بعنوان قهرمانانی دارای روح آزادیخواهی، اندیشه مستقل و خطوط والای اخلاقی هستند.

زنان چه بعنوان مادران و چه بعنوان همسران نقش بزرگی در حماسه ایفا می کنند. جریان یافتن رویدادها در حماسه منوط به کردار آنها بود. مادران و همسران پهلوانان ساسون خود نیز از ویژگی های والای ایشان برخوردارند. آنها از نظر فداکاری و وطن دوستانه از همسران و فرزندان خود کمتر نبوده همیشه مشاوران خیر و یاران جنگی آنان بودند. مثلاً **زوونار** مادر ساناسار و باغداسار راضی به ازدواج با خلیفه بغداد می گردد این امر تنها و تنها بخاطر وطن دوستی و احساسات و آگاهی عمیق مردم دوستی وی بود. بندهای او چقدر تعیین کننده و عالی و مملو از فداکاری است.

خاندوت خاتون در بین زنان قهرمان حماسه داویت ساسونی با زیباترین و کاملترین خطوط تشریح شده است. خاندوت از حیثیت مردان آگاهی کامل داشت و همیشه پیشقدم، آزاده و شجاع می باشد. خاندوت حتی از شوهر محبوب خود نیز اطاعت نمی کند. او برای بوسه بی جهت و نامناسب، با مشت به سینه داویت که عشق و علاقه عمیقی نسبت به او داشت زده و می گوید:

تو فرزند رشید پدرت هستی و من مال پدرم.

چنانکه در یکی از واریانت‌ها آمده است در زمان این اتفاق **گری توروس**، داویت خشمگین را کنترل کرده و خاندوت را در مورد رفتارش محق می‌شناسد و دور اندیشانه می‌گوید: شیر شیر است چه ماده باشد چه نر.

این گفتاری است که بنحو برجسته ای نظر مردم را در مورد برابری زن و مرد منعکس می‌سازد. خاندوت به همان اندازه برای وطن فداکار می‌باشد که داویت است. در هر حال او آماده است اسلحه بدست در برابر دشمن قرار گیرد. **گوهار خاتون** زن **مهر** نیز چنین است.

ایسمیل خانم و **چمشکیک سلطان** از شخصیت‌های جالب توجه زن در شعر حماسی "داویت ساسونی" هستند. ایسمیل خانم بیانگر زنی نیرنگباز و ریاکار است. او اگر چه عاری از برخی احساسات انسانی نیست با این حال در تصمیمات شیطانی پسرش ملک مصر شریک است. چمشکیک سلطان بعنوان زنی انتقام جو ظاهر می‌گردد.

خلق ابداع کننده تمام قهرمانان حماسه "داویت ساسونی" را با رئالیسم مختص به خودشان تشریح کرده مجموعه ای از خود ویژگی و زیبایی را به آنها نسبت داده است.

مردم در شعر حماسی "داویت ساسونی"

صرف نظر از اینکه پهلوانان ساسون تصویر خود مردم را در کردارهایشان بیان نموده اند، با این وجود مردم نیز در حماسه به نحو شیوایی تشریح شده اند. داویت و سایر پهلوانان حماسه با شجاعت‌ها و اعجاز خود همیشه جانب مردم زحمتکش را می‌گیرند. مردم با پیروزی‌های آنها از صمیم قلب خوشحال و مسرور شده و بعلت مشکلات ایشان دل افسرده و ناراحت می‌گردند. مثلا این مطلب گواه زنده ای است که داویت به نبرد با ملک مصر می‌رود، دلاوران ساسون پیش او می‌آیند و با آواز خوانی او را بدرقه می‌نمایند. و اما موقعی که داویت پیروزمندانه باز می‌گردد مردم ساسون همراه **هوان طنین انداز** به استقبال او می‌روند. طبیعی است که پس از مرگ **مهر بزرگ**، اهالی ساسون سالهای متمادی با غم و اندوهی عمیق و بی‌آلایش برای او سوگواری نمایند. یکی از جالب ترین تجلیات هنری مناسبات قهرمانان و مردم ساسون نقش پیرزن مزرعه ارزن در حماسه است. پیرزن با ارائه تجربیات چندین ساله مردم زحمتکش و ظاهر شدن بعنوان ناصحی مادر گونه، در شرایط سخت پندها و اندرزهای پر معنی خود را برای کمک به داویت بکار می‌بندد و باعث مقتدر شدن بدنی داویت می‌گردد. داویت همیشه به پندهای پیرزن توجه کرده و به نتایج مثبت می‌رسد.

در شعر حماسی داویت ساسونی مردم مصر نیز تشریح می‌شوند و گهگاه نسبت به اقدامات ملک مصر نارضایی نشان می‌دهند. مردم مصر به قدرت خلق همسایه ارمنی آگاهی داشته

و آنرا ستایش می کند و حقوق او را محترم می شمارد. افکار انساندوستانه خلق زحمتکش مصر نیز به نحو زیبایی در شخصیت سرباز پیر که با داویت صحبت می کند، متجلی گردیده است.

کنایه و هجو مردمی در شعر حماسی

مزاح مردمی نیز به شعر حماسی "داویت ساسونی" زیبایی خاصی می دهد. این مزاح وقتی که به قهرمانان محبوب مربوط می شود کنایه ای لطیف و دوستانه و برای کسانی که قادر به انجام دلاوری نیستند مانند نمایندگان شاهزادگان، پادشاهان و روحانیون، هجوی شدید و نابود کننده است.

مردم اغلب در حماسه با کنایه های خیرخواهانه برخی اعمال غیر معمول قهرمانان را که سادگی و خوش باوری و خوش قلبی مفرط می باشند، به مزاح می گیرد. بدین ترتیب مثلا مست شدن **باغدا سار** در کوه **آخماخو**، جنگ و ستیز داویت کودک با اشعه خورشید که از روزنه پنجره به داخل اتاق تاریک تابیده بود و وقایع مربوط به دوران چوپانی او و غیره صحنه های مزاح انگیز هستند.

مردم، اشرار، عیاشان، مستبدان و استثمارگران را به باد تمسخر نابود کننده می گیرند. مثلا این مورد قابل ذکر است که چه اهالی ساسون و چه اهالی مصر کوزبادین متکبر و یاوه گو را مورد استهزا قرار می دهند. وقتی که کوزبادین گستاخانه برای چپاول و باجگیری به ساسون می رود، زنان مصری وی را مورد تمسخر و کنایه قرار می دهند.

آنگاه که کوزبادین با ضربه خوردن و شکست از داویت باز می گردد، زنان مصری او را مورد استهزا و تمسخر کشنده قرار می دهند.

کوزبادین در حالت بیچارگی مجبور می شود اقرار کند که غارت ساسون را اشتباه "کار آسانی فرض کرده بود.

از **ورگو** در شعر حماسی با تمسخر یاد می شود. او از تمام خصوصیات و اعجاز قهرمانانه نسل ساناسار محروم است. ورگو تجسم ضعفهای انسانی بوده شخصیتی ترسو و ناپدار است. وی داویت را بخاطر عزیمت به جنگ در برابر ملک مصر با شماتت مورد تمسخر قرار می دهد زیرا معتقد نیست که مبارزه او قرین موفقیت شود.

ارزشهای ادبی داویت ساسونی

شعر حماسی داویت ساسونی در طی سده ها با محفوظ ماندن در قلوب مردم، مداوماً صیقل داده شده و به سطح عالی هنری ارتقاء یافته است.

داویت ساسونی ساختاری محکم دارد. وقایع بطور روان و عاری از قید و بندهای زائد جریان می یابد. هیچ قسمتهای زاید وجود ندارد. در سراسر شعر، از ابتدا تا انتها، کارها با روند شدیداً قهرمانانه به پیش می رود. صحنه ای که کمک هوان طنین انداز را به داویت تشریح می

نماید و اینکه وی چگونه با اسبهایش سخن می گوید و یا صحنه مرگ داوید با حرکات و سرعت فوق العادی قرین است.

تم فعالیت ها و نحوه تشریح حوادث در "داوید ساسونی" همیشه با شرایط روحی قهرمانان مطابقت دارد و با تغییر اینها، وزن و ریتم شعر نیز دگرگون می گردد. به لطف همین امر شعر حماسی از نظر موسیقایی غنی می شود. میزان شعر با محتوای آن کاملا هماهنگی داشته آزاد و تحسین برانگیز می باشد و ماهیت داخلی قهرمانی-پهلوانی حماسه را به نحو شگفت آوری متجلی می سازد. بخش بزرگی از واریانتهای داوید ساسونی منظوم است.

زبان شعر حماسی فصیح و دلنشین، غنی و دارای صفات تشبیهی و استعاری زیباست. عبارات و تشریحات اغراق آمیز مکان بزرگی در شعر حماسی دارد و همین ها باعث می شوند تا عظمت و قدرت فوق العاده قهرمانان، خوفناکی جنگ افزارها و اسلحه و انعکاس عالی هنری بنحو سریع و قوی تشریح شود. مثلا، وقتی که ساناسار با نوشیدن آب از چشمه زیر دریا عظمت می یابد و بزرگی او با عبارت اغراق آمیزی بیان می شود:

باغده/سار دید کوهی سوار بر کوه دیگر می آید...

در اینجا یک کوه **ساناسار** و کوه دیگر **کوریک جلال** است.

تشریح اغراق آمیز و افسانه ای حوادث و شخصیت ها مبین قدرت و عظمت مردم می باشد. بطور کلی افسانه ها در شعر حماسی مکان ویژه ای دارند که بنا به گفته خورناتسی نشانگر غیر مستقیم حقیقت هستند.

حماسه داوید ساسونی جاودانی است. این اثر عظیم امروزه نیز بکار مردمان و ملل مختلف از نظر وطن دوستی و تعلیم آنها با روحیه قهرمانی و مردمی می آید. داوید ساسونی نه تنها برای ملت ارمنی قابل درک و مأنوس است بلکه برای تمامی مردمان دیگر و زحمتکشانش سراسر جهان نیز چنین است.

بسیاری از نویسندگان ما (هوانس تومانیان، آوتیک ایساهاکیان و دیگران) این اثر پر قریحه قوم ارمن را به نحو هنری و به شیوه خاص خود بنظم در آورده اند.